

مرصاد

شیوه‌های تربیتی و مبادی دین

گزیده‌ای از سخنان امام موسی صدر

مریم خسروجردی

اشاره

امام موسی صدر زاده سال ۱۳۰۷ هـ. ش در شهر مقدس قم است. او دروس حوزوی را تا نیل به درجه اجتهاد در قم و نجف گذراند و در رشته اقتصاد از دانشگاه تهران دانش‌آموخته شد. وی به دعوت شیعیان لبنان و توصیه مراجع وقت به لبنان رفت و وارد عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی لبنان شد. وی در مقام دین‌شناسی شیعی حضور فعال و تأثیرگذاری در مجامع و کنفرانس‌های بین‌المللی، از جمله کنفرانس ملتقی الفكر الاسلامی الجزایر، کنفرانس مرکز اسلامی استراسبورگ و رابطه‌الاسلامی عربستان، داشت و به تعبیر عالمان و بزرگان زمانه خویش همانند ستاره‌ای خوش درخشید.

کلیدواژه‌ها: موسی صدر، تربیت، شیوه، اسلام هستی

چکیده

نوشتار پیش‌رو سخنرانی امام موسی صدر در همایش هشتم «مجمع البحوث الاسلامیه» (مجمع پژوهش‌های اسلامی) در قاهره به تاریخ سی مهر ۱۳۵۶ است. «مجمع البحوث الاسلامیه» از اهمیت بالایی برخوردار است و علما و دانشمندان و اسلام‌شناسان کشورهای عربی و اسلامی و اروپایی و آفریقایی در این مجمع گردهم می‌آیند.

این نوشتار ابتدا به شیوه‌های گوناگون تربیتی می‌پردازد و سپس، تلاش می‌کند شیوه قرآنی یعنی پیوند استوار میان شیوه تربیتی و اصول دین را معرفی کند و در لابه‌لای آن روش قرآن در ارائه اسلام و دعوت به سوی آن نیز روشن می‌کند.

شود؛ روشی که به‌طور کلی با روش آکادمیک متفاوت است. در این پژوهش به تقسیم‌بندی اسلام به اعتقادات و شریعت و تقسیم شریعت به فقه و اخلاق و تقسیم فقه به عبادات و معاملات و سیاست و احکام پرداخته شده است.

۱. شیوه‌های تربیتی

● ساده‌ترین شیوه برای تربیت، امر و نهی کردن مربی است. شکی نیست که این شیوه تأثیری محدود دارد و گاه با پیچیدگی‌ها و مسائل سلبی روبه‌رو می‌شود، به‌ویژه وقتی از خشونت استفاده می‌شود و وضع روانی مربی مورد نظر قرار نمی‌گیرد.

● شیوه برتر آن است که مربی راه‌ها و ابزارهای متقاعدسازی را به کار بگیرد و بکوشد در عقل و دل فردی که در پی تربیت آن است، تأثیر بگذارد تا او را به هدف متقاعد کند و او را دوست بدارد تا بتواند به خود جذبش کند.

● شیوه سوم که مکاتب جدید اجتماعی به آن افتخار می‌کنند، توجه به محیط فرد یا گروه تربیت‌شونده است تا به فضایی برای هدف تربیتی تبدیل شود و جریانی در قبال آن شکل بگیرد که فعالیت تربیتی و متقاعدسازی را برای مربی آسان سازد.

۲. شیوه قرآنی

قرآن کریم این سه شیوه را در آن واحد به کار برده و شیوه چهارمی نیز به آن‌ها افزوده است که مختص خود قرآن است و از معجزات اسلام به‌شمار می‌آید و مکاتب اصلاح‌گرا و انقلابی اخیر می‌کوشند از آن اقتباس کنند.

قرآن کریم با بیان‌ها و وسیله‌های گوناگون امر و نهی می‌کند و پی‌درپی دلیل می‌آورد و بر فطرت و اصول ثابت در میان ملت‌ها و عبرت‌هایی که می‌توان از امت‌های گذشته به دست آورد تکیه می‌کند و کلماتی به کار می‌برد که شبیه دلیل است، مانند «الطیبات» و «الخبائث» و همواره رحمت خداوند و مهرورزی و نعمت‌های او و همچنین، آگاهی او از مصالح همه مردم را یادآوری می‌کند. همه این‌ها برای این است که درباره مسئولیت‌ها پذیرش (متقاعد شدن) همراه با عاطفه به وجود آورد (شیوه دوم)

پیامبر اعظم (ص) در خطبه وداع خویش اعلام کرد: «أَيُّهَا النَّاسُ وَاللَّهِ مَا مِنْ شَيْءٍ يُقَرَّبُكُمْ إِلَى الْجَنَّةِ وَيُبَاعِدُكُمْ مِنَ النَّارِ إِلَّا وَقَدْ أَمَرْتُكُمْ وَمَا مِنْ شَيْءٍ يُقَرَّبُكُمْ إِلَى النَّارِ وَيُبَاعِدُكُمْ مِنَ الْجَنَّةِ إِلَّا وَقَدْ نَهَيْتُكُمْ عَنْهُ. أَيُّ مَرَدٍ بِهِ خَدَا سَوَّكُنْد، هَرِ أَنْجَه شَمَا رَا بَهْهَشْتِ نَزْدِيكِ وَ اَزْ اَتَشْ دُورِ مِي كَرْد، مِنْ



شما را به آن فرمان دادم و هر آنچه شما را به آتش نزدیک و از بهشت دور می‌کرد، من شما را از آن بازداشتم). (کلینی، ج ۲: ۷۴)

اهتمام اسلام به ایجاد فضای مناسب، از آموزه‌های قطعی آن درباره‌ی وجوب برپایی جامعه اسلامی و دستورات مهم آن در مورد فضاهای مناسب مانند نماز جماعت و نماز جمعه و حج و ماه رمضان و عیاد و همچنین، نهی از کناره‌گیری از مردم و جامعه و معاشرت با فاسدان و بدکاران و گنهکاران (جز برای اصلاح آنان)، روشن می‌شود. با این همه قرآن کریم شیوه خاص خود را به کار می‌برد که می‌توانیم آن را انقلاب در مفاهیم یا تحولی ژرف در نگرش کلی به جهان هستی و زندگی و ارتباط با هدف تربیتی بنامیم.

وقتی قرآن کریم از رهگذر اعتقادات و معلوماتی که آیات آن برایمان بیان می‌کند، تصویری از آفرینش و موجودات و زندگی برای ما ترسیم می‌کند، می‌کوشد فضایی عام در ذهن انسان پدید آورد تا در آن حس کند که موفقیت و جاودانگی در پایبند بودن به رهنمودهای اسلام است و جهان هستی هر فرد یا گروهی را که با این قواعد هماهنگ و همسو نباشد، طرد می‌کند و سرنوشت آنان نیستی و فراموشی خواهد بود. برتری این شیوه از شیوه‌های پیشین مناقشه‌بردار نیست. این شیوه امتیازات متعددی دارد که می‌کوشیم پس از توضیح ویژگی‌های این شیوه آن‌ها را برشماریم.

در سوره الرحمن آیه ۷ می‌خوانیم: «وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ. أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ. وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ.»^۱

در این آیات پیوند میان از اندازه درنگذشتن و وزن را به انصاف برپا داشتن و برافراشتن آسمان و گذاشتن ترازو را که نشانه حسابرسی و نظام‌مندی و عدالت در جهان هستی است، مشاهده می‌کنیم.

در سوره آل عمران پس از آیه «شَهَدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ»^۲ که بر عدالت خداوند تأکید دارد، آیات دیگری در مقام نتیجه این آیه آمده است که روشن‌ترین آن آیه زیر است: «إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّنَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَيَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ»^۳؛ یعنی محکومیت دشمنان عدالت ناشی از عدالت‌گستری خداوند و یکی از نتایج آن است.

در سوره انبیا آیه ۱۶ می‌خوانیم: «وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ»^۴ و در آیه ۱۸ به برخی نتایج این اصل می‌رسیم:

«بَلْ تَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ وَلَكُمُ الْوَيْلُ مِمَّا تَصِفُونَ.»^۵

در برخی از موارد، نتایج پیش از مبانی آمده است، از جمله: «كَمْ تَرَكُوا مِنْ جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ * وَزُرُوعٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ. وَنَعْمَةً كَانُوا فِيهَا فَكَرِهِينَ. كَذَلِكَ وَأَوْرَثْنَاهَا قَوْمًا آخَرِينَ * فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَمَا كَانُوا مُنْظَرِينَ»^۶ [و در چند آیه بعد آمده است: «وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ * مَا خَلَقْنَاهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ»^۷. نابودی کسانی که باغ‌ها و چشمه‌ها را بدون هیچ واکنشی بر جا می‌گذارند - چون قوم تبع نیرومندتر از آنان بودند و آنان رستاخیز و حسابرسی اعمال را انکار می‌کردند - نابودی اینان اثری است طبیعی از مبتنی بودن آفرینش آسمان‌ها و زمین بر حق.

آیاتی از قرآن تأکید می‌کنند که آفرینش در شش روز و در مدتی معین انجام شده است. معنای روز در اصطلاح قرآن روشن است. مقصود از آن مراحل و دوران‌هاست. همان‌طور که از ابتدای سوره فصلت برمی‌آید، تأکید قرآن بر اینکه آفرینش در مدتی معین یعنی شش روز بوده است، مقدمه‌ای است برای نتایج مهم تربیتی که بنا بر وصف قرآن عبارت‌اند از: پیروزی رومیان پس از شکست خوردن و اینکه آنان تنها ظاهر زندگی دنیا را می‌شناسند (سوره روم)؛ ضرورت توجه به سوی خداوند و خواندن او با حالت زاری و به صورت پنهانی و از سر ترس و با طمع [به رحمت او] (سوره اعراف)؛ تشویق مؤمنان عدالت‌پیشه و پایبند به سنت‌ها و حسابرسی اعمال که در گردش شب و روز و دیگر پدیده‌های جهان هستی می‌اندیشند. (سوره یس)؛ و آزموده شدن در پیشی جستن به سوی نیکی‌ها (سوره هود) و، سرانجام، توکل بر خداوند، تسبیح گفتن او، ذکر و یاد او و بردباری در برابر مسخره کردن‌ها و سرزنش‌ها و اتهام‌ها (سوره‌های فرقان و ق.)

خلاصه سخن اینکه تربیت قرآنی مبتنی بر ابزارهای تربیتی مناسب است و افزون بر آن، مقید به اصول دین و قواعد عمومی برگرفته از این اصول است و همچنین، بر پایه حق و عدل و مدت معین استوار است و به همین ترتیب، مبانی دیگری که قرآن کریم اعلام می‌کند و میان آن‌ها و خواسته‌های تربیتی و جهت‌دهی زندگی انسان خواهان موفقیت به سوی راه و روش مبتنی بر عدل و حق و همسو با صفات خداوند و آموزه‌های او پیوند می‌دهد. شیوه تربیتی قرآن برنامه کاری زمان‌بندی شده دارد، یعنی نه زمان را نادیده می‌گیرد و نه تعیین آن را فروگذار می‌کند، درست همانند آفرینش هستی.

اول. ابعاد کار مطلوب در نگاه مربی و در واقع، تا دوردست امتداد پیدا می‌کند و به ازل و ابد و به زمین و آسمان و اساس آفرینش می‌رسد. این احساس، تأثیرگذاری تربیت را تضمین می‌کند، همچنان که از استمرار آن محافظت می‌کند.

دوم. انسان در برابر این شیوه، همراهی جهان هستی با خود را احساس می‌کند و درمی‌یابد که همه موجودات همگام با او حرکت می‌کنند و هیچ‌گاه احساس غربت و تنهایی نمی‌کند، حتی اگر رفتار او مخالف یا متناقض یا در جهت دشمنی با رفتار دیگری باشد و معنای این حدیث شریف را درک می‌کند که «لَا تَسْتَوْجِسُوا فِي طَرِيقِ الْهُدَى لِقَلْبَةِ أَهْلِهَا» (مردم بیم مکنید در راه راست، که شمار روندگان آن چنین اندک است). (نهج البلاغه، ۳۱۹)

به این ویژگی در قرآن کریم اشاره شده است: آیاتی

بِسْتَهْزُنُونَ»^۸ و «لَبَّ يَرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ
يَسْأَلُ أَيَّانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.»^۹

این آیات بیانگر تأثیر عمل بر عقیده است.

روایات وقتی کبر و خودپسندی را حرام اعلام می‌کند، آن را نوعی شرک و شبیه انگاشتن به فرمانروایی خداوند عزوجل می‌خواند. بسیاری از کافران و بزرگ آنان ابلیس نیز به سبب آنکه بزرگی ورزیدند، کافر شدند: «خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ.»^{۱۰}

تأثیر اصول دین و به‌ویژه توحید بر عبادات و پرورش و اصلاح انسان، به‌گونه‌ای که با خوش‌بینی و خوش‌رویی و خوش‌گمانی و برابری با برادران خود برخورد کند، بدون آنکه آنان را خدا یا شیطان یا بنده خود قرار دهد، همچنین تأثیر معاد بر دقت انسان در رفتار خود و حساسی از خویشتن و احساس مسئولیت و دیگر تأثیرات، فراتر از آن است که بتوان آن‌ها را برشمرد.

مطالعات اسلامی نیازمند رشته‌ای خاص برای بررسی یکپارچگی اسلام و جدا نبودن اجزای آن از یکدیگر است و کسی که می‌خواهد درباره ارتباط میان احکام سخن بگوید، ناگزیر باید این رشته را برای همه پژوهشگران و مبلغان دینی ضروری بداند.

پی‌نوشت‌ها

۱. «آسمان را برافراشت و ترازور را گذاشت، تا مبادا از اندازه درگذرید. وزن را به انصاف برپا دارید و در سنجش مکاهید.» (رحمن، ۹۷)
۲. «خدا که همواره به عدل، قیام دارد، گواهی می‌دهد که جز او هیچ معبودی نیست؛ و فرشتگان [او] و دانشوران [نیز گواهی می‌دهند.]» (آل عمران، ۱۸)
۳. «کسانی که به آیات خدا کفر می‌ورزند، و پیامبران را بناحق می‌کشند، و دادگستران را به قتل می‌رسانند، آنان را از عذابی دردناک خبر ده.» (آل عمران، ۲۱)
۴. «و آسمان و زمین و آنچه را که میان آن دو است، به بازیچه نیافریدیم.» (انبیاء، ۱۶)
۵. «بلکه حق را بر سر باطل می‌زنیم تا آن را درهم کوبد و باطل نابود شونده است. و او بر شما از آنچه به خدا نسبت می‌دهید.» (انبیاء، ۱۸)
۶. «بعد از خود، چه باغ‌ها و چشمه‌سارها بر جای گذاشتند، و کشتزارها و خانه‌های نیکو، و نعمتی که در آن غرق شادمانی بودند. بدینسان بودند و ما آن نعمت‌ها را به مردمی دیگر واگذاشتیم. نه آسمان بر آن‌ها گریست و نه مهلت داده شد.» (دخان، ۲۵-۲۹)
۷. «و ما این آسمان‌ها و زمین و آنچه را میان آن‌هاست به بازیچه نیافریده‌ایم؛ آن‌ها را به حق آفریده‌ایم، اما بیشترین نمی‌دانند.» (دخان، ۳۸-۳۹)
۸. «آن‌گاه فرجام کسانی که بدی کردند [بسی] بدتر بود، [چرا] که آیات خدا را تکذیب کردند و آن‌ها را به ریشخند می‌گرفتند.» (روم، ۱۰)
۹. «[نسان شک در معاد ندارد] بلکه او می‌خواهد [آزاد باشد و بدون ترس از دادگاه قیامت] در تمام عمر گناه کند [از این رو] می‌پرسد [قیامت کی خواهد بود.]]» (قیامت، ۶۵)
۱۰. «مرا از آتش آفریده‌ای و او را از گل آفریدی.» (اعراف، ۱۲)

منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. اصول کافی

که بر سجده خورشید و ماه و ستارگان و درختان و دریاها و ورد و همه جنبندگان تاکید می‌کند و می‌گوید که همه آن‌ها در برابر خداوند سجده می‌کنند و نماز می‌گذارند. انسان نیز با فطرت و جسم خویش با این کاروان بزرگ هستی همگام می‌شود. این همگامی، اطاعت از امر و نهی و سجده کردن و تسبیح گفتن و نماز گزاردن و کار نیک را بر او بسیار آسان می‌کند.

سوم. متمرکز شدن همه نیروها و توانایی‌های فرد در همه موقعیت‌ها و بحران‌ها و نیز متمرکز شدن توانایی‌های جامعه با همه گروه‌ها و سطح‌های مختلف آن، چراکه خاستگاه یکی‌ست، مسیر یکی‌ست و شیوه نیز یکی‌ست و بدین ترتیب، در برآیند این توانایی‌ها نیروی بزرگی پدید می‌آید که در رسیدن به هیچ هدفی هرچند سخت و دشوار، ناتوان نیست. توانایی‌های فرد بسیار ولی پراکنده است. توانایی‌های جامعه نیز فراتر از آن است که تصور شود، ولی به تدریج کاهش می‌یابد و برخی با برخی دیگر برخورد پیدا می‌کند. با جهت‌دهی و هماهنگ‌سازی و بسیج این توانایی‌ها نیروی ذاتی امت شکست‌ناپذیر می‌شود.

شیوه قرآن در ارائه اسلام و دعوت به سوی آن

پس از آشنایی با شیوه اعجاز‌آمیز قرآن در زمینه تربیت، به نکته اساسی دیگری می‌رسیم که می‌تواند کبرای بحث تربیتی ما باشد. این نکته، اتحاد اسلام با عمل است. مسلمانان و حتی دانشمندان و پژوهشگران بنا بر علل تعلیمی، اسلام را به چند بخش تقسیم کرده‌اند: علم اعتقادات و علوم وابسته به آن (مانند فلسفه الهی و علم کلام)، علم فقه و اقسام آن (عبادات، معاملات، سیاست و احکام که هر یک زیر مجموعه‌هایی دارد و علم اخلاق. اسلام همچنین به اصول (که نیازمند ایمان و دلیل قطعی است) و فروع تقسیم شده است.

این تقسیم‌بندی‌ها، که با انگیزه‌های علمی و گاه بنا بر درجه اهمیت صورت گرفته، موجب نوعی ضعف تربیتی و تا حد بسیاری بی‌توجهی و بی‌پروایی شده است تا جایی که کار برخی مسلمانان به آنجا رسیده است که در دل به اسلام اعتراف دارند، ولی آشکارا به عبادات پایبند نیستند.

دور بودن از اخلاق اسلامی نیز بیماری رایجی‌ست، حتی در میان دینداران و همچنین، بسیاری از مسلمانان از مسائل اجتماعی و سیاسی اسلام ناآگاه‌اند. علت همه این‌ها، این تقسیم‌بندی آکادمیک برای اسلام است، در حالی که قرآن کریم مسائل اعتقادی را در کنار مسائل علمی قرار می‌دهد و میان آن دو و اخلاق پیوند می‌دهد، همان‌گونه که در شیوه تربیتی قرآن نیز این پیوند را مشاهده می‌کنیم.

در ابتدای سوره بقره، پرهیزگاران با پنج ویژگی وصف شده‌اند: سه ویژگی اعتقادی‌ست که عبارت‌اند از ایمان به غیب و ایمان به آنچه بر پیامبر ﷺ و دیگر پیامبران نازل شده است و یقین به آخرت. دو ویژگی عملی‌ست که عبارت‌اند از نماز و زکات. نماز ایمان به غیب را حفظ می‌کند و نماز بدون پرداخت زکات نیز سزاوار نگوئد است (سوره ماعون).

در کمتر آیه‌ای از قرآن کریم ذکر مسائل اعتقادی (ایمان) بدون اشاره به کار نیک (عمل صالح) آمده است، با وجود آنکه این دو از نظر تقسیم‌بندی فقهی از دو مقوله متفاوت‌اند.

با بررسی دقیق احکام اسلامی درمی‌یابیم که میان آن‌ها تأثیر متقابل آشکاری وجود دارد و فعالیت‌های عملی تأثیر گسترده‌ای بر ایمان دارد و ایمان [نیز به نوبه خود] زیربنای اخلاق است و در عین حال، از آن تأثیر می‌پذیرد، همچنان که مسائل اعتقادی چشم‌انداز کلی مسائل اجتماعی را ترسیم می‌کند.

قرآن کریم در چندین مورد به این تأثیرگذاری متقابل اشاره کرده است، از جمله: «ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ أُسَؤُوا السُّوَىٰ أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا بِهَا